انعکاس عقاید
محمد بن عبدالوهاب
درمیان علمای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

انعکاس عقاید محمد بن عبدالوهاب در میان علمای اسلامی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انعکاس عقاید محمد بن عبدالوهاب در میان علمای اسلامی

مشخصات کتاب

مولف:مکتب اسلام - سال ۳۹ - شماره ۴

مقدمه

عقاید عبدالوهاب را که از مرزهای نجد فراتر رفته بود، پی گیری می کنیم و گفتیم اگر چه مسلک وهابیت در قرن دوازدهم توسط محمد بن عبدالوهاب پدیدار و منتشر گردید، ولی ریشه های اصلی آن به قرن چهارم به زمان بربهاری و ابن بطه و قرن هفتم و هشتم به زمان ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم جوزیه و نظائر آنها می رسد. پس از پیدایش وهابیت بعضی از علما از اهالی غیر نجد نیز به آن مسلک گرویدند و آنچه این مسلک را در نظر آنها نیکو جلوه داد، این بود که این مسلک به ظاهر با بدعت ها که در آن زمان بیشتر رواج داشت، به مبارزه برخاسته بود. یکی از معاصران محمد بن عبدالوهاب، «محمد بن اسماعیل صنعانی» (۱۱۸۲ - ۱۰۹۹) امیر و مجتهد یمن بود، همین که از جریان قیام مذهبی نجدی ها آگاهی یافت از این ماجرا بسیار خوشحال شد و قصیده ای سرود که مطلع آن این است: سلام علی نجد و من حل فی نجد++ و ان کان تسلیمی علی البعد لا یجدی «سلام من بر نجد و ساکنانش باد، اگر چه این سلام من از دور بر من فائده ندارد». و در دنباله ی آن می گوید: اعادوا بها معنی سواع و مثله++ یغوث و ودا لیس ذلک من ودی [صفحه ۶۱] و قد هتفوا عند الشدائد باسمها++ کما یهتف المضطر بالصمد الفرد و کم نحروا فی سوحها من غیره++ اهلت لغیر الله جهلا علی عمد و کم طائف حول القبور مقبلا++ و یلتمس الأرکان منهن بالأیدی [۱] . «آنان خاطره بت های سواع و ود را زنده کردند

که ما را هیچ خوش آیند نیست. در شداید و مشکلات به آنها توسل می جویند، چنانکه انسان به خدای یگانه و بی نیاز پناه می برد، چه بسا در اماکن عمومی شتر ذبح می کنند و ندانسته یا دانسته نام غیر خدا را می آورند و چه بسا مردمی که اطراف قبرها را طواف می کنند و با دستهای خود ارکان آنها را لمس می نمایند». و در همین موقع رساله ای به نام «تطهیر الاعتقاد عن ادران الالحاد» تألیف کرده بود ولی آنگاه که از حقیقت قضیه اطلاع پیدا کرد و دید که جریان امر خالی از غرض ورزی و توطئه چینی نیست، از کار خود به شدت پشیمان شد، اشعار دیگری ساخت که مطلع آن چنین است: رجعت عن القول الذی قلت فی نجد++ فقد صح لی عنه خلاف الذی عندی «من از آنچه درباره ی نجد گفته بودم، برگشتم، چون خلاف آنچه پیش من بود، ثابت شد». مرحوم علامه ی امین می نویسد: از همین محمد بن اسماعیل نقل شده که وی در شرح قصیده ی یاد شده که به نام «محو الحوبه فی شرح ابیات التوبه» معروف است، گفته است: هنگامی که قصیده ی اول من به نجد رسید، چند سال بعد مرد عالمی به نام شیخ مرید بن احمد تمیمی در ماه صفر سال ۱۱۷۰ پیش من آمد و او بعضی از کتابهای ابن تیمیه و ابن قیم را به خط خود فراهم آورده بود و سپس در ماه شوال همان سال به وطن خود بازگشت، او از شاگردان محمد بن عبدالوهاب بود که ما قصیده ی خود را به وی فرستاده بودیم. و پیش از او شیخ فاضل به نام عبدالرحمن نجدی نزد ما آمده

بود و او از پسر عبدالوهاب مطالبی نقل کرده بود که برای ما بسیار عجیب و دردآور بود از قبیل قتل و غارت مسلمانان و آدم کشی و لو با خدعه و نیرنگ و به طور کلی تکفیر ملت مسلمان در تمام نقاط جهان از جمله فتاوای منقول از محمد بن عبدالوهاب بود. ما در سخنان عبدالرحمن و در آنچه که وی از پسر عبدالوهاب نقل می کرد، در تردید بودیم تا آن که شیخ مربد مزبور دوباره پیش ما آمد، او مردی شریف و زیرکی بود و برخی از رساله های محمد بن عبدالوهاب را با خود همراه داشت که در آنها حکم کفر اهل ایمان و تجویز قتل و غارت مسلمانان نوشته شده بود، ما درباره ی نویسنده ی این رساله دقت کردیم و دیدیم که او [صفحه ۶۲] مردی است که از شریعت اسلام اطلاع کمی دارد و آن هم سطحی است نه عمیق. و نزد استادی درس نخوانده که بتواند او را ارشاد و هدایت کرده به دانشهای مفید و سودمند راهنمایش شود و در احکام و مسائل دین فقیه و دانا نماید. او را شخصی یافتیم که برخی از کتابهای ابن تیمیه و ابن قیم را خوانده و بدون فکر و تأمل از آنها تقلید کرده است. در صورتی که خود آنها تقلید را جایز نمی دانند. مرحوم امین پس از نقل این داستان می نویسد: از سخنان محمد بن اسماعیل صنعانی استفاده می شود که او از مسلک وهابیت برگشته است و شاید تاریخ بازگشت او پس از نوشتن رساله ی «تطهیر الاعتقاد» می باشد زیرا خود این کتاب در گزافه گوئی و مغالطه دست کمی از کتابهای محمد

بن عبـدالوهاب نـدارد. پس از پیـدایش وهـابیت برخی از کسانی که منتسب به علم هسـتند، از اهالی غیر نجـد، به این مسـلک گرایش پیدا کردند و آنچه این مسـلک را در نظر برخی از برادران اهل سـنت نیکو و زیبا جلوه داده، این است که این مسـلک به ظاهر با بدعتها که در آن زمان در جوامع اسـلامی بیشتر رواج داشـته، به مخالفت و مبارزه برخاسـته است ولی افراط و زیاده روی غالبا آفتی است که بیش از آن که اصلاح کند، افساد می کند [۲] .

نخستین کسی که بر رد محمد بن عبدالوهاب کتاب نوشت، برادرش بود

همین که محمـد بن عبـدالوهاب عقایـد خود را آشـکار ساخت و مردم را به پـذیرفتن آنها فراخوانـد، عـده ی زیادی از علمای بزرگ اسـلام با عقایـد او به مخالفت پرداختنـد. نخستین کسـی که به شـدت با او به مخالفت برخاست، پـدرش عبـدالوهاب و سپس برادرش شـیخ سـلیمان بن عبدالوهاب بودند که هر دو از علمای حنبلی بودند. شـیخ سلیمان نخستین کسی بود که در رد عقاید برادرش کتابی تحت عنوان «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» را تألیف نمود. او که از ترس جان خود از «درعیه» به مـدینه فرار کرده بود، همین کتاب را نوشت و برای شـیخ محمد فرسـتاد. از مقدمه ی این رساله معلوم می شود که میان آن دو مکاتبه و پیامهای شـفاهی در جریان بوده و شـیخ سـلیمان این رساله را در پاسخ نامه های او نوشـته و فرسـتاده است وی در این رساله [صفحه ۶۳] نوشـته: آنچه از گفتـار اهل علم آموخته ام برای تو می نویسم خواه تو قبول بکنی یا نکنی؟ اگر قبول بکنی چه بهتر و خدا را شکر و اگر قبول نکنی باز خدا

را شکر که من به وظیفه ام عمل کرده ام. در آغاز رساله، خطاب به او می گوید: بدان خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد را بـا قرآن و دین حق به عـالم فرسـتاد تـا آن را بر همه ی ادیان غالب گردانـد و بر او قرآن را نازل فرمود تا حقیقت هر چیز را روشن نمایـد و خداونـد وعـده ی خویش را عملی سـاخت و دینش را بر تمـام ادیـان غالب گردانیـد. بعـد با اسـتناد به آیات و روایات ثابت می کند که امت پیامبر، بهترین امتها هسـتند و این امر امت تا قیام قیامت ثابت و مستقیم می باشد و پیروی اثر این امت را بر هر فردی واجب گردانیده، آنجا که فرموده: (... و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصـله جهنم و سائت مصیرا) [۳] «هرکس از راهی جز راه مؤمنان پیروی کنـد ما او را به همان راه که می رود، می بریم و به دوزخ داخل می کنیم و جایگاه بـدی دارد». بـدین ترتیب اجمـاع امت را حجت قاطع قرار داده که بر احـدی جایز نیست از آن خارج شود. سـپس به جهالت و نادانی محمد بن عبدالوهاب اشاره کرده می نویسد: «به موجب آنچه از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و اله رسیده، آدم جاهل نباید اسـتبداد رأی داشـته باشد، بلکه بر او واجب است آنچه نمی داند از اهل علم سؤال کند، چنانکه خدای تعالی فرموده: (فاسـئلوا أهل الـذکر ان کنتم لا تعلمون) «اگر نمی دانیـد از اهل علم بپرسـید» و در روایتی پیامبر فرمود: «هل لا اذا لم یعلموا سـئلوا فانما دواء العین السؤال» «چرا سؤال نمی کنید وقتی که نمی دانید زیرا داروی ناتواین و نادانی سؤال است»

بالاخره وظیفه ی جاهل و نادان سؤال کردن است و این اجماعی است. ابوبکر هروی گفته: تمام علما اجماع دارند بر این که جایز نیست کسی ادعای امات و پیشوائی بکند مگر این که جامع این اوصاف باشد، سپس شیخ سلیمان اوصافی را که برای امام و پیشوا لازم است، از زبان هروی نقل کرده، و سخن وی را چنین ادامه داده است: اگر این اوصاف در کسی جمع شد، در این صورت جایز است آن شخص امام و پیشوا باشد و بر دیگران نیز جایز است از او تقلید نمایند و اگر کسی جامع این اوصاف نباشد، یا فاقد [صفحه ۶۴] یکی از آنها باشد، ناقص است و نمی تواند امام و پیشوا باشد و مردم از او تقلید نمایند وقتی که این شرائط برای صحت اجتهاد و امامت ثابت باشد، باید کسی که واجد این اوصاف نیست، از کسی که جامع این اوصاف است، تقلید نماید. به طور کلی مردم از لحاظ دین دو قسم هستند: مجتهد یا مقلد. سپس در تأیید این سخن، به کلام «ابن قیم» استناد کرده و گفته است: ابن قیم در کتاب «اعلام الموقعین» نوشته است: «مادامی که شرایط اجتهاد از جمیع علوم در کسی جمع نباشد، جایز نیست از قرآن و سنت حکم اخذ کند. احمد بن المنادی گفت: مردی از احمد بن حنبل پرسید اگر کسی صد هزار حدیث حفظ کند آیا او فقیه می شود؟ گفت: نه. اگر دویست هزار حدیث چطور؟ گفت: نه. گفت: سیصد هزار چطور؟ گفت: نه. گفت: چهارصد هزار چطور؟ گفت: آری ابوالحسن می گوید از جدم سؤال کردم احمد چقدر حدیث حفظ داشت، گفت: ششصد

هزار. شیخ سلیمان بن عبدالوهاب پس از ذکر این مقدمه، می گوید: من این مقدمه را برای این ذکر کردم تا قاعده ای باشد در آنچه بعدا ذکر می کنیم. بالاخره شیخ سلیمان پس از آن که در این مقدمه به شرائط سخت و سنگین اجتهاد اشاره می کند و ثابت می نماید که ادعای اجتهاد کار آسانی نیست و کار هرکس نمی باشد و او که بیش از هرکس از معلومات برادرش آگاه است، به او می فهماند که معلوماتش در آن حد نیست که ادعای اجتهاد نماید و مثل یک مجتهد مسلم فتوا بدهد سپس برادرش را به جهالت و گمراهی متصف ساخته می نویسد: «فان الیوم ابتلی الناس بمن ینتسب الی الکتاب و السنه و یستنبط من علومهما و لا یبالی من خالفه و اذا طلبت منه ان یعرض کلامه علی أهل العلم لم یفعل بل یوجب علی الناس الاخذ بقوله و من خالفه فهو عنده کافر هذا و هو لم یکن فیه خصله واحده من خصال اهل الاجتهاد و لا والله عشر واحده و مع هذا خراج کلامه علی کثیر من الجهال فانا لله و انا الیه راجعون» [۴] . «امروز مردم گرفتار کسی (برادرش محمد بن عبدالوهاب) شده اند که خود را در علوم قرآن و حدیث وارد می داند و از مخالفان خود هیچ باکی ندارد و اگر از او خواسته شود سخن خود را به اهل علم عرضه کند، هرگز این کار را نمی کند، بلکه مردم را ملزم می سازد که قول وی را بپذیرند و هرکس با او [صفحه ۶۵] مخالفت کند، پیش وی کافر شمرده می شود. این شخص در حالی که حتی یکی از شرایط و

اوصاف اهل اجتهاد در او نیست نه به خدا قسم حتی یک دهم آن شرایط در او نیست با وجود این سخنان، او برای بسیاری از مردم جاهل پسندیده آمده است اینجاست که باید گفت: «انا لله و انا الیه راجعون». و با این که تمام ملت مسلمان یکصدا بر ضد او هم آواز شده اند، به صدای آنها توجه نمی شود و همه را کافر و نادان می کنند. خدایا این مرد گمراه را هدایت کن و به راه راست برگردان». کتاب پر مغز و پر مطلب «الصواعق الالهیه» شیخ سلیمان بن عبدالوهاب در رد عقاید محمد بن عبدالوهاب و مسلک وهابیت از بهترین و محکمترین کتابهاست و اینک چند قسمت دیگر از این کتاب را در اینجا می آوریم:

۱ - «فان اهل العلم ذکروا فی کل مذهب من مذاهب الأقوال و الأفعال التی یکون بها المسلم مرتدا و لم یقولوا من نذر لغیرالله فهو مرتد...». «علمای هر مذهب، اقوال و افعالی را که موجب مرتد شدن مسلمانی می شود، ذکر کرده اند ولی نگفته اند که هرکس برای غیر خدا نذری بکند، یا از غیر خدا حاجت بخواهد، مرتد می شود و همچنین هیچ کدام به مرتد بودن کسی که برای غیر خدا ذبح کند، یا قبری را لمس نماید و از خاک آن بردارد، حکم نکرده است آن چنان که شما می گوئید اگر در این باره حرفی دارید، بگویید. زیرا کتمان علم جایز نیست، لیکن شما به گمان خود عمل کرده و از اجماع مسلمانان جدا شده اید و با این سخن خود که هرکس این اعمال را (نذر، ذبح و لمس قبر و...) انجام دهد کافر است، و هر

که مرتکبین آن اعمال را کافر نداند، او هم کافر است، بدین ترتیب همه ی امت محمد صلی الله علیه و اله را کافر دانسته اید. در حالی که همه ی مردم می دانند که بیشتر از هفتصد سال است که این اعمال (نذر، ذبح و زیارت و...) همه مناطق اسلام را پر کرده و اهل علم اگر چه خود، این کارها را انجام ندهند، مرتکبین آنها را تکفیر نکرده و احکام مرتد بر آنان جاری نساخته اند، بلکه احکام مسلمین را بر آنها جاری نموده اند. به خلاف گفته ی شما که شهرهای مسلمین را بلاد کفر مرتدین می نامید، حتی حرمین شریفین را دارالکفر قرار داده اید، در حالی که در احادیث صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله تصریح شده است که این دو شهر همواره دو شهر اسلامی هستند و بت در آن دو شهر پرستیده نمی شود و حتی دجال که در آخرالزمان همه ی شهرها را زیر پا می گذارد، ولی داخل مکه و مدینه نمی شود. ولی همه ی این شهرها در نظر شما بلاد حرب است و اهل آنها کافرند زیرا به قول شما بت ها را پرستیده اند و به عقیده ی شما همه ی آنها مشرک و از ملت اسلام خارج هستند. فانا لله و انا الیه راجعون» [۵] . [صفحه ۶۶] ۲- «ان هذه الامور حدثت من قبل زمن الامام احمد فی زمان ائمه الاسلام و أنکرها من أنکرها منهم و لا زلت حتی ملأت بلاد الاسلام کلها و فعلت هذه الأفاعیل کلها التی تکفرون بها و لم یرو عن احد من ائمه المسلمین انهم کفروا بذلک...». «این امور (اموری که وهابیها موجب شرک و کفر می دانند) قبل از احمد

بن حنبل و در زمان ائمه ی اسلام، به وجود آمده بود. جمعی هم آنها را انکار کردند ولی از هیچکدام از ائمه ی اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور با آنان را داده باشند، یا این که شهرهای مسلمانان را همانگونه که شما می گویید، بلاد شرک یا دارالکفر نامیده باشند، و نیز در این مدت هشتصد سال که از زمان ائمه می گذرد، از هیچ عالمی روایت نشده است که این امور را کفر دانسته باشد، بلکه هیچ عاقلی چنین گمان نمی کند. به خدا قسم لازمه ی گفتار شما این است که تمام امت اسلامی و علما و امرای آنها بعد از زمان احمد بن حنبل تاکنون کافر و مرتد می باشند. انا لله و انا الیه راجعون». شیخ سلیمان در اینجا با حالت تأثر و اندوه می گوید: «واغوثاه الی الله واغوثاه» از این سخن شما که می گویید: قبل از شما، هیچ کس دین اسلام را نشناخته است [۶]. ۳ - «و معلوم عند الخاص و العام لمن له معرفه بالاخبار ان هذه الامور التی تکفرون بها ملأت بلاد المسلمین من أکثر من سبع مأئه عام...». «بر خواص و عوام و هرکس که با اخبار آشنائی دارد، معلوم است این اموری که شما به سبب آنها، مردم بلاد مسلمین را متجاوز از هفتصد سال قبل تا به امروز (زمان تألیف کتاب الصواعق) کافر می پندارید، اگر آن امور بدانگونه که شما می پندارید بت پرستی بزرگ باشد. پس اهل آن شهرها کافرند و آن طوری که شما می گویید هر که آنها را کافر نداند، خود او کافر است در حالی

که واضح است که علما و امرا آنان را کافر ندانسته اند و احکام مرتد را بر آنان جاری نساخته اند». با اینکه همه ی این امور در غالب بلاد اسلام به طور آشکار جریان دارد و عده ی زیادی از این راهها امرار معاش می کنند و از تمام شهر به اماکن مقدسه سفر می کنند. با وجود این شما به ما بگوئید که آیا حتی یک نفر از اهل علم یا اهل شمشیر را می توانید به ما نشان بدهید که مانند گفته های شما سخنی بر زبان آورده باشند. همه ی علما حکم اسلام را بر آنان جاری ساخته اند پس اگر مرتکبین این اعمال، به زعم شما، کافر و بت پرست باشند و علما و امرا بر آنها حکم اسلام کرده باشند، لازمه ی این عمل شما کفر تمام علما و امراست زیرا هرکس اهل شرک را کافر نداند [صفحه ۶۷] خود او کافر خواهد بود و در این صورت از امت حضرت محمد صلی الله علیه و اله محسوب نمی شود و این با حدیث نبوی منافات دارد [۷] . ۴ - شیخ سلیمان که اساس کتاب خود را بر رد سخن برادرش مبنی بر تکفیر عموم مسلمانان (غیر از اتباع خود) قرار داده، در پایان ۵۲ حدیث از صحاح سته و سایر کتب معتبر اهل تسنن در رد وی نقل کرده است و به موجب همین روایات ملاک مسلمان بودن، بر زبان جاری ساختن شهادتین و انجام ضروریات دین می باشد [۸] . شیخ سلیمان ظاهرا کتاب دیگری هم موسوم به «فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب» در رد عقاید برادرش نوشته است که فعلا از آن خبری نیست. «عباس

محمود عقاد» نویسنده ی نامی مصر می نویسد: «بزرگترین مخالفان شیخ محمد، برادرش شیخ سلیمان صاحب کتاب «الصواعق الالهیه» است. عقاد همچنین گفته است که شیخ سلیمان برادر شیخ محمد که از بزرگترین مخالفان او بود، در ضمن این که سخنان برادرش را به شدت رد می کند، می گوید: اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر می دانند، و آن را بهانه ی مباح شدن مال و جان مسلمانان می پندارند، در زمان ائمه ی اسلام به وجود آمده بود، ولی هیچ یک از ائمه ی اسلام شنیده و روایت نشده است که مرتکبین این اعمال را کافر یا مرتد دانسته و دستور جهاد با آنان را داده باشند و یا این که بلاد مسلمانان را به همانگونه که شما می گویید، بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند [۹] . خلاصه وقتی محمد بن عبدالوهاب عقاید خود را آشکار ساخت و مسلک وهابیت را بنیاد نهاد، علمای معاصر وی از این مسلک احساس خطر کردند و در رد او کتابها و رساله ها نوشتند و گفتیم اولین کتاب را در رد او برادرش شیخ سلیمان نوشت. البته پدرش شیخ عبدالوهاب نیز از مخالفان سرسخت فرزند خود محمد بود و او را بر انحرافش از آئین اسلام سخت نکوهش می کرد ولی ظاهرا او کتابی در این زمینه ننوشته است.

پاورقی

[۱] تطهیر الاعتقاد، به نقل کشف الارتیاب، ص ۱۵.

[۲] بنا به نقل کشف الارتیاب، ص ۱۶ ، ۱۵ و ترجمه ی فارسی، ص ۹ و ۱۰.

[۳] سوره نساء: آیه ۱۱۵.

[۴] الصواعق الالهیه، ص ۴.

[۵] همان کتاب، ص ۷.

[۶] همان کتاب، ص ۳۸.

[۷] منظور حدیثی است در صحیح مسلم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و

اله روایت شده است که: «ان الله زوی لی الأرض فرأیت مشارقها و مغاربها و ان امتی لیبلغ ملکها ما زوی لی منها...».

[۸] الصواعق از ص ۵۵ تا ۶۳.

[۹] الاسلام فی القرن العشرین: ص ۱۳۶ – ۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹